

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت

پول^۱

دکتر اکبر کمیجانی*، دکتر هادی عربی** و محمداسماعیل توسلی***

تاریخ دریافت: ۳ خرداد ۱۳۹۱ تاریخ پذیرش: ۲۷ دی ۱۳۹۱

غرض مردم از اطلاق لفظ پول بر چیزی، فایده پولی‌ای است که از آن می‌برند. اقتصاددان‌ها هم در این جهت یعنی بیان مفهوم پول، اختلافی با عرف مردم ندارند. لذا هنگامی که از چیستی پول سؤال می‌کنیم، مقصود ما چیستی و ماهیت چیزی است که الان وظایف پول را انجام می‌دهد و از آنجا که تصور کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی که هم‌اکنون پول است نداریم، لزوم نظریه‌پردازی درباره ماهیت آن آشکار می‌شود. پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است بلکه برای اقتصاد غرب هم مهم و اساسی است. لذا به کنکاش در نظریات اندیشه‌وران اقتصادی غرب که پیشگام در این زمینه هستند پرداختیم تا شاید به پاسخ قابل قبولی برسیم. در بین اندیشه‌وران اقتصادی غرب دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول قابل شناسایی است. نظریه متالیزم که پول را در قالب کالا می‌بیند و نظریه چارنالیزم که آن را تنها یک مطالبه و بستانکاری می‌داند، هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چارچوب منطقی و تاریخی است. روبرو شدن مکتب متالیزم با چالش‌های اساسی و عدم پاسخگویی نئوکلاسیک‌ها به آنها باعث شده تا دیدگاه چارنالیست‌ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. این دیدگاه می‌گوید ماهیت و ذات پولی، پول رایج تحت قدرت منتشرکننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود. در این دیدگاه این مالیات‌ها هستند که به پول ارزش می‌دهند. ماسگریو و دیگران نقدها و اشکالات اساسی و مهمی بر این دیدگاه وارد

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری اینجانب محمداسماعیل توسلی با عنوان «تحلیل ماهیت پول و آثار آن بر ضابطه‌مند کردن سیاست‌های پولی و ضمان دولت» به راهنمایی آقایان دکتر کمیجانی و دکتر سیدهادی عربی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است.

komijani@ut.ac.ir

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

hadiarabi@gmail.com

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

metavassoli@atu.ac.ir

*** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

کردند، در نتیجه این دیدگاه هم رضایت‌بخش نیست. اساسی‌ترین مشکل دیدگاه چارنالیست‌ها این است که جواب اثباتی و حلی به این سؤال مهم که پول چیست نداده‌اند. از این رو، هیچ یک از این نظریات کاملاً رضایت‌بخش نیستند. در نتیجه لزوم نظریه‌پردازی جدید درباره ماهیت پول در اقتصاد اسلامی رخ می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: پول، ماهیت پول، متالیزم، چارنالیزم.

طبقه‌بندی JEL: B40، E4.

۱. مقدمه

هنگامی ما از چیستی یک شیئی پرسش می‌کنیم که ماهیت و حقیقت آن شیء یا مرز مفهوم آن به این که شامل چه افرادی می‌شود و شامل چه افرادی نمی‌شود بر ما مجهول باشد. یعنی تصور صحیحی از آن نداریم. در مورد خاص پول هیچکس در فهم مفهوم پول مشکلی ندارد. چه این که عرف عام غرضشان از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده‌پولی است که از آن می‌برند. بنابراین، فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حیوانات یا صدف یا دندان نهنگ یا سنگ آهن یا مس یا سکه‌های طلا و نقره یا اسکناس کاغذی یا کارت اعتباری و پول الکترونیکی. در نگاه به مفهوم پول عرف به کارکرد آن نگاه می‌کند و به هر چیزی که وظایف پولی را برایش انجام دهد، لفظ پول، اطلاق می‌کند. علامه طباطبائی در مقدمه تفسیر المیزان^۱ این معنا را بسیار زیبا و گویا تشریح می‌کند وی می‌گوید: «لکن باید این را هم بدانیم که ما الفاظ را برای آن چیزی وضع کردیم که فلان فایده را به ما بدهد، حالا اگر آن چیز شکل و قیافه‌اش تغییر کرد مادام که آن فایده را می‌دهد باز لفظ نام برده نام آن چیز است، توضیح این که اشیایی که ما برای هر یک نامی نهاده‌ایم از آنجا که مادی هستند، محکوم به تغییر و تبدلند، چون حوائج آدمی رو به تبدل است و روز به روز تکامل می‌یابد. مثلاً کلمه چراغ را ما در اولین روزی که به زبان جاری کردیم به عنوان یک ظرفی بود که در آن روغن می‌ریختیم و فتیله‌ای در آن روغن می‌انداختیم و لبه فتیله را از ظرف بیرون گذاشته، روشن می‌کردیم تا در شبهای تاریکی پیش پای ما را روشن کند و هر وقت کلمه چراغ را به زبان می‌آوردیم شنونده چنین چیزی را از آن می‌فهمید، ولی روز به روز در اثر پیشرفت ما، چراغ هم پیشرفت کرد و تغییر شکل داد تا امروز که به صورت چراغ برق درآمد، به صورتی که از اجزای چراغ اولیه ما هیچ چیز در آن وجود ندارد، نه ظرف سفالی آن هست، نه روغنش و نه فتیله‌اش ولی

۱. طباطبائی (۱۴۱۷ق)، ج ۱، ص ۱۰

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۳۹

در عین حال باز به لامپ می‌گوییم چراغ. برای چه؟ برای این که از لامپ همان فایده‌ای را می‌بریم که از پیه‌سوز سابق می‌بردیم و همچنین کلمه میزان یا ترازو ... پس بنابراین هرچند که مسماهای نامها تغییر کرده، به حدی که از اجزای سابقش نه ذاتی مانده و نه صفاتی و لکن نامها همچنان باقی مانده است و این نیست مگر به خاطر این که منظور روز اول ما از نامگذاری فایده و غرضی بود که از مسماها عاید ما می‌شد نه شکل و صورت آنها و مادام که آن فایده و آن غرض حاصل است، اسم هم بر آن صادق است... نباید نسبت به لفظ جمود به خرج داده و آن را نام یک صورت بدانیم و تا قیامت هر وقت چراغ می‌گوییم باز همان پیه سوز را اراده کنیم...»

کلام علامه طباطبائی را به تفصیل آوردیم تا این معنا که غرض مردم از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده پولی است که از آن می‌برند، کاملاً روشن و مبرهن گردد. اقتصاددان‌ها هم در این جهت یعنی بیان مفهوم پول اختلافی با عرف مردم ندارند و مانند آنها پول را تعریف می‌کنند، چنانچه هیکس^۱ به صراحت می‌گوید: پول چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد. هریس^۲ آن را تفصیل داده می‌گوید، پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش ارزش و ذخیره ارزش باشد. نتیجه این که در فهم و بیان مفهوم پول هیچ کس اختلافی ندارد. لذا هنگامی که از چیستی پول سؤال می‌کنیم مقصود ما چیستی و ماهیت چیزی است که الان دارد وظایف پول را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، از ماهیت مصداق پول می‌پرسیم و از آنجا که تصور کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی که هم‌اکنون پول است نداریم، لزوم تحلیل درباره ماهیت آن آشکار می‌شود. البته تا هنگامی که پول به شکل سکه‌های طلا و نقره در جریان بود ماهیت فلزی آن برای همگان قابل تشخیص بود و یک سکه‌شناس و صراف می‌توانست مقدار عیار طلا و نقره سکه‌ها را تشخیص دهد. اما در تاریخ تکاملی پول به دوره‌ای می‌رسیم که دولت‌ها به خاطر تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند.^۳ آنها به تدریج فهمیدند به خاطر ویژگی‌های خاص پول می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و در نهایت قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. این امر منجر به این شد که اسکناس که تا پیش از این تنها رسید طلا و نقره بود و در حقیقت رسید پول بود خود مستقلاً پول شود و عرف

1. Hicks (1967)

2. Harris (1981)

نگرش استقلالی به آن داشته باشد. پس از این بود که پرسش‌های اساسی ذیل درباره ماهیت این پول رخ نمود:

- ۱- آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است یا نه؟
 - ۲- ارزش این اسکناس از کجا می‌آید؟
 - ۳- اگر واحد ارزش در یک کشور مقدار معینی طلا و یا نقره که به شکل مسکوک جریان دارد، نباشد، پس واحد ارزش چیست؟
 - ۴- هنگامی که گفته می‌شود فلان کالا ۱۰۰۰ ریال ارزش دارد، چه چیزی معرف هر یک از این ریال‌ها است؟
- پرسش‌ها به همین جا خاتمه نیافت بلکه با آمدن پول الکترونیکی که بی‌ماده فیزیکی محض است و حتی کاغذ بی‌ارزش اسکناس را هم ندارد، پرسش‌های دیگری بر آن افزوده شد، از قبیل این که:
- ۵- چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند؟
 - ۶- چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست؟
- این امر موجب ابهام^۱ در حقیقت و چیستی پول کنونی شده و پرسش‌های متعددی را در برابر فقها قرار داده است. بعضی از این پرسش‌ها به شرح ذیل است:
- آیا خرید و فروش پول‌های کنونی از مصادیق ربای معاملی است؟
 - آیا جبران کاهش ارزش پول در حساب‌های بانکی، قرض، مهریه، غضب، حبس و ... ربا است؟
 - آیا شروط باب صرف در مورد پول‌های کنونی مصادق می‌یابد؟
 - آیا بانک مرکزی و دولت به هر شکلی که خواست، می‌تواند از حق انتشار پول استفاده کند؟
 - آیا پولی کردن کسر بودجه محدودیت شرعی دارد و دولت ضامن است؟

۱. همین ابهام و عدم شفافیت، لزوم تحلیل درباره ماهیت پول کنونی را ایجاب کرده است. از آنجا که شناخت حقیقت و ماهیت یک شیء کاری تخصصی است، از توان عرف خارج است. ملاک بودن عرف تنها در مفهوم عناوین و اطلاق عناوین بر مصادیق است و با توجه به آن که مصادیق پول‌های کنونی کاملاً اعتباری هستند و قالب فیزیکی ندارند، تنها متخصصان پولی و اقتصادی آشنا با مبانی فقهی و فلسفی و یا فقهای دارای مشرب فلسفی و آشنا با مبانی پولی و اقتصادی می‌توانند در این باره نظر بدهند. گواه بر این مطلب اینکه می‌بینیم در اقتصاد اسلامی فقهای دارای مشرب فلسفی و آشنا با مبانی پولی امثال شهید صدر، هاشمی شاهرودی و مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی در این باره به تحلیل پرداختند.

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۴۱

و پرسش‌هایی از این قبیل که تنها با مشخص شدن ماهیت و چیستی پولی کنونی می‌توان برای آنها پاسخی یافت. منظور از ماهیت پول کنونی، ماهیت چیزی است که هم‌اکنون وظایف پولی را انجام می‌دهد. زیرا، در فقه و حقوق اسلام احکامی که موضوع آنها پول است، صرف اطلاق عنوان پول به شیئی موجب نمی‌شود حکم به آن تعلق گیرد بلکه ماهیت و چیستی چیزی که پول است دخالت تام در تعلق آن حکم شرعی و حقوقی دارد. به عنوان مثال، زکات زمانی به پول تعلق می‌گیرد که مسکوک طلا و نقره باشد. از این رو، اگر مسکوک، طلا و نقره نباشد یا طلا و نقره مسکوک نباشد زکات ندارد و یا احکام صرف مانند تساوی ثمن و مضمن و قبض و اقباض در جلسه عقد زمانی به پول تعلق می‌گیرد که طلا و نقره باشد. بر این اساس، شهید صدر (۱۹۹۴، ص ۱۴۶) می‌گوید: احکام صرف در فقه اسلامی با تغییر پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند. افزون بر این که در نظام اقتصادی اسلام اعمال سیاستهای مختلف پولی و اجرای صحیح بانکداری اسلامی وابسته به احکامی است که فقیه بر پول بار می‌کند. تنوع آرای فقهی و در برخی موارد تضاد بین آنها ناشی از نظریات گوناگون درباره ماهیت پول است و ممکن است به سردرگمی در اجرای بانکداری اسلامی و اعمال نامناسب سیاست‌های پولی بینجامد. از این رو، لازم است این نظریات بررسی و نقد شوند تا در صورتی که با اشکالات مبنایی و بنایی مواجه نبوند مورد استناد قرار گیرند و گرنه لزوم ارائه تحلیل جدید درباره ماهیت پول و بازنگری مسائل پول بر اساس آن رخ می‌نماید.

پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است بلکه برای علم اقتصاد هم مهم و اساسی است. راسی^۱ در اهمیت شناخت ماهیت پول می‌گوید: پرسش‌های اصلی و عمده‌ای که همچنان امروزه مورد بحث و مناظره است به ریشه‌های ماهیت پول در اقتصاد مدرن می‌رسد. آنها با تأکید ویژه‌ای می‌پرسند: پول چیست؟ ارزش پول از کجا می‌آید؟ پول چگونه ایجاد می‌شود؟^۲

به عقیده او برای پاسخ به این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر ابتدا باید از گیر ماهیت پول خارج شد و آن را باز کرد. علیرغم سادگی پول در ظاهر، در حقیقت یک پرسش بسیار پیچیده است. بیان شومپتر^۳ شدت این پیچیدگی را به خوبی روشن می‌کند. وی می‌گوید: اشاره با

1. Rossi (2000)

2. What is money? Where the value of money comes from? How is money created?

3. Schumpeter (1954,1994)

دقت به دیدگاه‌های مختلف درباره پول به سختی شناساندن ابرهای تیره و تار در حال حرکت است.

در سختی پاسخ به این پرسش همین بس که کینز برای شناخت پول و آثارش به مدت پنج یا شش سال در دهه ۱۹۲۰ به مطالعه علم اوزان و مقادیر و دانش سکه‌شناسی پرداخت تا بتواند به خاستگاه تاریخی و منطقی پول در تمدن‌های باستانی شرق نزدیک دست پیدا کند. این کار کینز همان گونه که خود اشاره دارد به «جنون بابلی»^۱ مشهور شده است. به گفته اینگام^۲، کینز گاهگاهی به این فکر می‌کرد که این مطالعه‌اش کاملاً بیهوده و بی‌فایده است. اما با این وجود تا حد جنون در این مطالعه غرق می‌شد. به عقیده اینگام، این روش تحقیق نسبت به روش‌های دیگر فهم بهتری از پول به ما داده است. با همه این تلاش‌ها، بافینگر^۳ معتقد است برغم گذشت ۲۰۰ سال از عمر اقتصاد پولی در حقیقت اغراق نیست که ادعا کنیم، تعریف پول و شناخت آن همچنان به عنوان یک مسأله حل نشده باقی مانده است. این که اندیشه‌وران اقتصادی غرب با این جدیت به دنبال نظریه‌پردازی درباره ماهیت پول و شناخت آن هستند، یکی از دلایل مهم آن به خاطر آثار و نتایجی است که شیوه اجرای سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل اشتغال و سطح عمومی قیمت‌ها بر جا می‌گذارد. به عنوان نمونه، نئوچارتالیست‌ها^۴ که یکی از دو مکتب عمده نظریه‌پردازی ماهیت پول هستند برای بدست آوردن و رسیدن به اشتغال کامل همزمان با تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها برنامه‌ای را تدارک دیدند.^۵ اساس این برنامه بر شناختی از ماهیت پول استوار است که به نظریه چارتالیزم در ادبیات اقتصادی غرب مشهور شده و کسانی همچون کینز طرفدار آن هستند.

نگارنده در این پژوهش به هدف دستیابی به نظریه‌ای قابل قبول از ماهیت پول به کنکاش در نظریات اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول که پیشگام در این زمینه هستند، پرداخته و آنها را بررسی و نقد کرده است.

۲. بررسی و نقد نظریات اندیشه‌وران غربی درباره ماهیت پول

به طور کلی دو نظریه و مکتب اصلی در اقتصاد غرب درباره ماهیت پول قابل شناسایی است:

1. Babylonian madness.
2. Ingham (2000)
3. Bofinger (2001)
4. neo-chartalists
5. www.cfeps.org

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۴۳

۱- نظریه فلزگرا^۱ یا نظریه پول کالایی^۲

۲- نظریه فرمانگرا^۳ که در آن پول بدون پشتوانه دولتی^۴ یا پول امری دولتی، بدون ارتباط

با هیچ کالایی صرفاً برای تصفیه تعهدات دولتی، ایجاد و منتشر می‌شود.

این دو اصطلاح ابتدا بوسیله ناپ در ۱۹۰۵ استفاده شده بود.^۵ هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نامگذاری متالیزم به این اندیشه که پول یک کالا است و اغلب به شکل فلز گرانبه در جریان بوده است، برمی‌گردد. در مقابل اساس چارتالیزم این است که پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند، است. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به وسیله ارتباط اجتماعی تأسیس شده است به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالا وجود دارد.^۶ اینک به بررسی تفصیلی و نقد این دو نظریه می‌پردازیم.

۲-۱. نظریه متالیزم یا پول کالایی^۷

۲-۱-۱. توضیح نظریه متالیزم (فلزگرا)

همان گونه که بیان شد، پایه و ریشه اصلی مکتب متالیزم به این اندیشه برمی‌گردد که پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه در جریان بوده است. به عقیده منگر^۸ فلزگراها پول را مخلوق بازار می‌بینند. به این معنا که پول با فرایند جستجو برای حل مشکل مضاعف انطباق خواست‌ها که در مبادله پایاپای وجود دارد ایجاد شده است. در نتیجه استفاده از واسطه مبادله برای حل مشکل انطباق مضاعف خواست‌ها به وسیله فرایند مبادله بازار پدیدار شد. مبادله‌کنندگان در راستای کاهش هزینه‌های مبادله و با توجه به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار و اینکه فهمیده بودند کالاها دارای درجات مختلف فروش هستند، وادار شدند که یک کالای عام تعریف کنند که در مبادله با انواع مختلف کالاها و خدمات واقعی و دارایی‌ها پذیرفته شود. این کالا به عنوان واسطه مبادله قرار گرفت، در نتیجه عمل فروش از عمل خرید متمایز شد. از اینجا به این سخن

1. Metalism
2. Commodity Money
3. Chartalism
4. Fiat Money
5. Knapp (1905,1924)
6. Ingham (2004)
7. Metallism Theory or Commodity Theory of Mony
8. Menger (1892)

مشهور کلاور می‌رسیم^۱: با پول کالا خریده می‌شود و با کالا پول بدست می‌آید اما کالا کالا نمی‌خرد.^۲ به عقیده کلاور با این تعریف که پول عمل واسطه را در مبادله انجام می‌دهد در نهایت اقتصاددان، پول را با عملش تعریف کرده است، مثل این تعریف هیکس (۱۹۶۷) که گفته است: پول چیزی است که پول انجام می‌دهد.^۳

فیشر^۴ عقیده دارد، هر کالایی که پول نامیده می‌شود باید به طور عام در مبادله قابل پذیرش باشد و هر کالایی که به طور عام در مبادله پذیرفتنی است باید پول نامیده بشود. در این دیدگاه پول کالایی است که واسطه مبادله است که به صورت انباره و ذخیره ارزش به شکل‌های گوناگون زیر وجود داشته است: سنگ، چرم، پشم حیوانات، ادویه، نمک، تنباکو و حتی برده و در نهایت فلزات گرانبهای طلا و نقره. ملاک و اساس این تغییرات و تحولات و تکامل در پول به صورت دارایی‌های فیزیکی، شرایط یکنواختی، تقسیم‌پذیری، انتقال‌پذیری و دوام بوده است. در نهایت فلزات طلا و نقره این شرایط را به خوبی احراز کردند و توانستند چندین هزار سال به عنوان پول در جریان باشند.

۲-۱-۲. منبع ارزش پول در نظریه متالیزم

هنگامی که بحث از ماهیت پول طرح می‌شود در پی آن پرسش دومی هم مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود. آن پرسش این است که ارزش این پول از کجا سرچشمه می‌گیرد. پاسخ متالیست‌ها این است که ارزش پول کالایی^۵ از ارزش کالایی که به عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود، می‌آید. اگر این پول سکه طلا و نقره باشد. ارزش این پول به ارزش طلا و نقره در بازار برمی‌گردد و اگر این پول به صورت پول کاغذی یا اسکناس در جریان باشد، ارزش آن به ارزش ذاتی فلز پشتوانه وابسته است. پول کاغذی در مدت زمان مدیدی در تاریخ با نرخ معینی قابل تبدیل به طلا بود. متالیست‌ها برای تأکید بیشتر بر دیدگاهشان استدلال می‌کنند که پول کاغذی [قابل تبدیل به طلا] معادل عمومی همه کالاها و خدمات واقعی در معرض فروش است.^۶ ریشه این سخن به تحلیل تعادل عمومی والراس برمی‌گردد که در آن پول یک شمارنده^۷ است و

1. Clower (1967)

2. money buys goods and goods buy money but goods do not buy goods

3. money is what money does

4. Fisher (1971,1931)

5. Commodity Money

6. Rossi (2007)

7. Numeraire

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۴۵

در برابر همه کالاها و خدمات واقعی دیگر قرار می‌گیرد. براساس ادعای والر اس، استاندارد ارزش باید یک مقدار خاص از یک کالای خاصی باشد که در این تحلیل n امین کالا است. این تعریف، پول را در ردیف کالاهای دیگر قرار می‌دهد. در حقیقت اقتصاد نئو کلاسیک که از والر اس پیروی می‌کند، شمارنده را به عنوان یک شیء فیزیکی مورد توجه قرار داده است. در تحلیل والر اس با حضور پول که n امین کالا است تنها کافی است که $(n-1)$ قیمت نسبی را بدانیم که در ارتباط با ملاک سنجش ارزش قرار می‌گیرد.^۱

۲-۱-۳. چالش‌های نظریه متالیزم

یکی از چالش‌هایی که نظریه پول کالایی با آن مواجه است همان چیزی است که راسی (۲۰۰۷) به آن اشاره دارد. وی می‌گوید: اگر پول واقعاً ملاک و استاندارد ارزش باشد در این صورت خودش نباید یک کالا باشد. زیرا، در غیر این صورت خودش نیاز به اندازه‌گیری دارد که بایستی از یک ملاک ارزش دیگر استفاده کند و آن ملاک ارزش دیگر هم اگر کالا باشد، در این صورت قضیه تسلسل بی‌نهایت که باطل است، پیش می‌آید در نتیجه این نوع مقیاس ارزش به طور منطقی غیرممکن است.^۲

به عقیده نگارنده، تسلسلی که راسی بیان کرده را می‌توان به این شکل پاسخ داد که اولاً، ارزش کالاها به کالایی که پول شده وابسته نیست بلکه همه کالاها به خاطر نسبی که با کالاهای دیگر و با اشخاص و جامعه در جهت رفع نیازشان پیدا می‌کنند و به واسطه کمیابی ارزشمند می‌شوند سپس جامعه یک کالایی را که نسبت مبادله‌اش با همه کالاهای دیگر مشخص است به عنوان مقیاس سنجش ارزش در نظر می‌گیرد. نتیجه این که تسلسلی نخواهیم داشت.

اصلی‌ترین چالش نظریه متالیزم از زمانی شروع شده است که پول در قالب اسکناس کاغذی بدون پشتوانه درآمد و در نهایت به پول الکترونیکی کنونی رسیده است که بی‌ماده فیزیکی کامل است. در اینجا اقتصاددانان نئو کلاسیک که از والر اس پیروی می‌کنند و شمارنده را به عنوان یک شیء فیزیکی مورد توجه قرار داده‌اند، باید به طور تحلیلی توضیح دهند که چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند و به خصوص چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست.

1. Harris (1981)

2. Rossi (2007)

زیمل^۱ با توجه به اشراف و آگاهی که نسبت به لوازم تحلیلی این امر داشت خواستار تمییز بین ماهیت پول و ماده‌ای که استفاده می‌شد تا پول کارش را خوب انجام بدهد، بود. وی بیان می‌دارد: «کیفیت ویژه‌ای که ماده فیزیکی به پول می‌دهد این است که آن را در رده کالاهای دیگر قرار می‌دهد تا در برابر آنها به عنوان پول قرار گیرد. تا آنجا که حقیقت خالصش مورد توجه است پول باید کاملاً جدای از کیفیت‌های ثانوی که آن را در برابر کالاهای دیگر قرار می‌دهد به راحتی به عنوان پول تفسیر شود».

زیمل در موافقت با تعریف کارکردی پول که نوعاً به تعریف هیکس (۱۹۶۷) برمی‌گردد پیش‌بینی کرده است که روزی پیشرفت تکنولوژی، پول را از شکل فیزیکی‌اش آزاد می‌کند. در آن روز حقیقت پول آشکار می‌شود. در دیدگاه زیمل پول در حقیقت یک شیء فیزیکی نیست بلکه یک پدیده اجتماعی است که در آن جامعه بشری در کل با فعل و انفعالات خودش آن را ایجاد کرده است. به عقیده زیمل در آینده که تکامل یافته‌ترین مصداق خارجی پول پدیدار می‌شود مغز اصلی این حقیقت که پول تنها یک مطالبه^۲ در جامعه است، آشکار می‌شود.^۳

راسی (۲۰۰۷) که با مطالعات گسترده‌اش پاسخ قانع‌کننده‌ای از طرف نئوکلاسیک‌ها پیدا نکرد، می‌گوید: حقیقت این است که با پابندی به دیدگاه منگر درباره پول به عنوان کالا با توجه به پدیدار شدن پول الکترونیکی که بی‌ماده کامل است، اقتصاددانان و ادار شدند دیدگاهی تحولی و تکاملی نسبت به ماهیت پول داشته باشند که در آن بسیاری از اهداف تحلیلی‌شان محکوم به ناپودی است. او در ادامه می‌پرسد: «آیا این سرنوشت، انقلابی را در تحلیل پولی ایجاد می‌کند. این پرسشی است که باز است و تا الان کسی به آن پاسخ نداده است». به عقیده او اگر پاسخ مثبت باشد اساس جریان اصلی آموزش اقتصاد در هر دوره اقتصادی درباره پول به سرعت و به صورت رادیکالی تغییر خواهد یافت. او در ادامه می‌گوید: به هر حال یک پاسخ منطقی باید به این پرسش مهم داده شود که چرا هر واحد اقتصادی در هر کشور باید حاضر باشد تا کالاهایش را با یک صفحه فلزی^۴ کوچک که ظاهراً بی‌فایده و بلااستفاده است، مبادله کند. این عدم پاسخگویی نئوکلاسیک‌ها باعث شده تا نظریه چارتالیست‌ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. به عقیده

1. Simmel (1990)
 2. Claim
 3. Simmel (1990)
 4. Metal Disc

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۴۷

گودهارت^۱ جانشین شدن پول کاغذی و بی‌پشتوانه به جای سکه فلزی در ۲۰۰ سال گذشته، پشتوانه محکمی برای دیدگاه فرمان‌گراها^۲ فراهم کرده است به طوری که ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشرکننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود. یکی دیگر از مشکلات اساسی پول کالایی این است که اگر قرار باشد کماکان پول را در قالب فیزیکی آن بکار ببریم حتی اگر شده به صورت پشتوانه صددرصد طلا، این پول در این دوران دیگر نمی‌تواند پدیده تولید انبوه را پشتیبانی کند. با مطالعه تاریخ تکاملی پول درمی‌یابیم که هر دوره، پول مناسب خودش را داشته است. با ورود به دوران فراصنعتی به یقین این پول مناسب با آن نیست و نمی‌تواند آن را همراهی کند.

۲-۲. نظریه چارتالیزم^۳

۲-۲-۱. توضیح نظریه چارتالیزم

اصطلاح چارتالیزم از کلمه "charta" در لاتین گرفته شده است و به معنای نشانه‌ای یا قراردادی^۴ است و یا به معنای بلیط^۵ است.^۶ گودهارت اصطلاح Cartalist به معنای فرمان‌گرا را برای این نظریه به کار برده است. زیرا پول در این مکتب با فرمان و امر دولت پدید می‌آید.^۷ به نظر می‌رسد اصطلاح بکار رفته توسط گودهارت به مفهومی که اقتصاددان‌ها از این نظریه ارائه می‌دهند نزدیکتر باشد. در هر حال این نظریه به چارتالیزم شهرت پیدا کرده است.

اساس این نظریه این است که پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به وسیله ارتباطات اجتماعی تأسیس شده است، به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالاها وجود دارد.^۸ در بیان کینز، پول یک واحد محاسبه است که از یک کنش سیاسی نشأت گرفته و به وسیله وسیله قانون یا پیمان و قرارداد اجتماعی تأسیس شده است. آنچه که هدف مردم است ممکن است تصفیه تعهدات بدهی‌شان باشد.^۹ در این دیدگاه پول به طور تاریخی به عنوان واحد محاسبه شکل

1. Goodghart (1989)
2. Cartalist
3. Chartalism Theory of Money
4. Token
5. Ticket
6. Knapp (1924)
7. Goodghart (1989)
8. Ingham (2004)
9. Keynes (1930,1971)

گرفته و مقدم بر مبادلات بازار است. چارتالیزم یک استاندارد پولی است که در آن پول امری دولتی منتشر شده به عنوان واحد پولی استفاده می‌شود. در این سیستم، پول بدون پشتوانه دولتی بوسیله دولت برای پوشش هزینه‌هایش ایجاد شده و منتشر می‌شود. مالیات در این سیستم برای اصلاح و کنترل مقدار پول بدون پشتوانه در گردش بکار گرفته می‌شود. اصلاح و کنترل بخش اعظم این پول‌های منتشر شده بوسیله مالیات اساسی است تا ارزش آن در مبادله حفظ شود. نظریه مدرن چارتالیزم بیان می‌کند که تحت نظام پول امری دولتی پول خالص با کسر بودجه دولت خلق می‌شود. زیرا از آنجا که پول منتشره ارتباطش را با کالا قطع کرده، پول رایج زمانی می‌تواند ایجاد شود که دولت هزینه کند. در این دیدگاه تقاضا برای نگهداری و اندوختن این پول امری دولتی به وضع مالیات به وسیله دولت برمی‌گردد. زیرا مالیات را می‌توان با پول بدون پشتوانه دولتی پرداخت کرد.^۱ در این دیدگاه، حکومت توانایی خلق پول را تنها با حرکت دادن یک خودکار و قلم دارد و در زمانی که بخواهد این کار را هم انجام می‌دهد. زیرا، این موقعیت را دارد که پیش از آن که درآمدی داشته باشد یعنی پیش از جمع‌آوری مالیات، خرج کند. ری^۲ آن را این گونه بیان می‌کند، هنگامی که دولت پول امری ایجاد می‌کند تا کالاها و خدمات مورد نیازش را بخرد این عمل در دفتر حسابداری مردم به صورت اعتبار پول امری و یک بدهکاری از کالاها و خدماتی که به دولت فروخته شده، ظاهر می‌شود. این کار خلق پول خالص است، زیرا با بدهی بخش خصوصی خنثی نمی‌شود.

۲-۲-۲. تاریخ تکاملی دیدگاه چارتالیزم

با پا به عرصه وجود گذاشتن اسکناس‌های بدون پشتوانه و به چالش کشیده شدن نظریه فلزی، نظریه چارتالیزم شروع به رشد و نمو کرد و از آنجا که آنها نظریه اثباتی‌ای که به طور ریشه‌ای در برابر متالیزم قرار گیرد ندارند، نظریه چارتالیزم را می‌توان به تمام معنا تنها ضد متالیزم معرفی کرد، چه این که خودشان هم علاقه دارند خود را ضد متالیزم معرفی کنند. چنانچه در مباحث بعدی خواهد آمد آنها تنها به یک سلسله حقایق اشاره کردند و هرگز چیزی نگفتند که بتواند ماهیت پول کنونی را که بدان اشاره می‌کنند به وضوح بیان کند، تنها مکرراً بیان می‌کنند که این پول آن پولی نیست که متالیزم‌ها می‌گویند.

1. Mosler (2010)

2. Wray (1998)

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۴۹

به نظر می‌رسد اینس^۱ پیشگام در توسعه دیدگاه چارتالیزم باشد. وی می‌گوید، بهره‌گیری از پول ضرورتاً دلالت بر وجود فیزیکی از یک پول فلزی ندارد و حتی به مفهوم وجود یک استاندارد و معیار فلزی از ارزش نیست. او مدعی است، شاهد قوی داریم مبنی بر این که هرگز واحد پولی که وابسته به ارزش یک سکه یا وزن خاصی از فلز باشد در تاریخ نداریم. در حقیقت هرگز چیزی به عنوان استاندارد فلزی ارزش وجود نداشته است و استاندارد پول همیشه چیزی بوده کاملاً جدای از وزن سکه یا ماده‌ای که سکه از آن ساخته می‌شدند. اینها دائماً تغییر کردند در حالی که واحد پولی برای قرن‌ها ثابت مانده است. به طور خلاصه دیدگاه چارتالیست‌ها این است که ارزش پول مستقل از ماده‌ای است که از آن ساخته می‌شود چه فلز باشد یا کاغذ و همیشه هم همین طور بوده است.

در دهه ۱۹۲۰ این دیدگاه به وسیله ناپ گسترش یافت. در رساله پول کینز این نظریه آشکارا حضور دارد.^۲ این دیدگاه هم‌اکنون به وسیله اشخاصی همچون بیل میچل، وارن موسلر و رانادال ری^۳ در حال احیاء و بازسازی است. اینها به طور وسیعی خود را مسئول و متعهد به احیای ایده چارتالیزم به عنوان توضیحی از ایجاد خلق پول می‌دانند.^۴ طرفداران این نظریه با نام اقتصاددان‌های فرا-کینزین^۵ شناخته می‌شوند. به عقیده اینها نظام پول امری دولتی بر نظام پول کالایی ترجیح دارد. به ویژه این که دست دولت را برای تأمین مالی کسر بودجه که یک محرک مالی است باز می‌گذارد. در حالی که این امر در نظام پول کالایی ممکن نیست.

۲-۳. مکانیزم خلق پول و ارزش آن در مکتب چارتالیزم

همانگونه که در مباحث گذشته بیان شد، خلق پول به قدرت دولت در حوزه ملی تکیه دارد. موسلر و فرستارتر^۶ مکانیزم ایجاد پول کنونی به وسیله دولت را به شرح ذیل بیان کردند:

۱- دولت یک بدهی مالیاتی قابل پرداخت به صورت پولی که خود منتشر می‌کند، وضع می‌کند.

1. Innes (1913)

2. Keynes (1930,1971)

3. Bill Mitchell, Warren Mosler and L. Ranadall Wray

4. Center for full Employment and pricestability, <http://www.cfeps.org>

5. post- keynesian economist

6. Mosler and forstarter (2005)

- ۲- در مواجهه با نیاز برای واحدهای پول امری دولتی، مالیات‌دهندگان کالاها و خدماتی را برای فروش ارائه می‌کنند و واحدهایی از پول را برای مبادله درخواست می‌کنند.
- ۳- دولت در مبادله و معامله با کالاها و خدماتی که درخواست دارد، پول خودش را منتشر و خرج می‌کند.
- تا اینجا مکانیزم خلق پول به وسیله دولت بیان شد. اما این که این پول در این الگو چگونه کار می‌کند و دارای ارزش است و ارزش آن تحت کنترل است به دلایل زیر است.
- پول مخلوق دولت است و به خاطر این که به عنوان وسیله پرداخت مورد پذیرش عموم قرار گرفته است، دارای ارزش است.
 - دولت از طریق اعلان این که چه مقدار تمایل دارد برای خرید کالاهایی که بخش خصوصی در نظام اقتصادی تولید می‌کند. پردازد، ارزش پول را کنترل می‌کند.
 - پول بانک‌های خصوصی (به ویژه سپرده بانکی) ویژگی‌های پول درونی را دارد، گرچه به عنوان اهرم^۱ پول بدون پشتوانه دولتی به آن نگاه می‌شود، اما بانک‌های خصوصی به آن به چشم اندوخته نگاه می‌کنند.

۲-۲-۴. ویژگی‌ها و نتایج دیدگاه چار تالیزم

میچل (۲۰۰۹) ویژگی‌ها و نتایج این دیدگاه را به شرح ذیل برمی‌شمارد:

- ا. بودجه خانوارهای خصوصی و بودجه دولت‌ها مشابه نیستند، خانوارها برای تأمین مخارج مالی باید جلوتر اقدام کنند. افراد و مؤسسات خصوصی ممکن نیست پولی را که ندارند خرج کنند. بایستی پیش از خرج کردن آن را به دست آورند یا قرض بگیرند. اما دولت بایستی پیش از جمع‌آوری مالیاتها با دادن اعتبار حساب‌های بانکی خرج کند و در پی آن در خلال پر کردن حساب‌های بانکی مالیاتها را جمع‌آوری کند.
- ب. نظام مدرن پولی کنونی با ویژگی نرخ ارز شناور شناخته می‌شود. از این رو، سیاست پولی از لزوم دفاع از اندوخته‌های ارز خارجی آزاد شده است.
- ج. یکی دیگر از ویژگی‌های این نظام تهیه و تدارک انحصاری پول بدون پشتوانه است، انحصارگر هم دولت است. اکنون اغلب کشورها براساس این سیستم عمل می‌کنند.

۱. پول بانک خصوصی عاملی است که موجب حضور، قدرت و کارکرد پول دولتی می‌شود.

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۵۱

د. تحت نظام پول بی‌پشتوانه امری دولتی، واحد پولی‌ای که دولت تعریف می‌کند ارزش ذاتی ندارد. این پول قانوناً نمی‌تواند بوسیله دولت به طلا تبدیل شود چنانچه پیشتر در نظام استاندارد طلا بود. قابلیت دوام و حضور این پول امری دولتی با این حقیقت تضمین می‌شود که این پول تنها واحدی است که برای بازپرداخت مالیاتها و دیگر تقاضاهای مالی دولت قبول می‌شود.

ه. دولتها با وجود این که در این نظام محدودیت درآمدهای ندارند اما برای حفظ و کنترل ارزش پول قرض می‌گیرند و محدودیت اختیاری برای خودشان ایجاد می‌کنند، گرچه می‌توانستند با چاپ پول دولتی آن را خرج کنند بدون این که نیازی به تأمین مالی آن داشته باشند.

و. اگر همه مخارج دولت با جمع‌آوری مالیات تأمین می‌شد (یعنی بودجه متوازن بدون بدهی ملی) هیچ پولی برای پس‌انداز بخش خصوصی باقی نمی‌ماند. پول خلق شده بوسیله بانکهای خصوصی به سمت صفر می‌رفت، دارایی‌ای که با قرض برای بانک ایجاد شده بود با بدهی بدهکاران بانک خنثی می‌شد.

ز. از این رو، مخارج دولتی منبع وجوه برای پس‌اندازهای خالص بخش خصوصی است. اگر تمایل به پس‌اندازهای خالص بخش خصوصی باشد بخش دولتی باید برنامه کسر بودجه را اجرا کند.

۲-۵. نقد نظریه چار تالیست‌ها و بیان چالش‌های آن

اکثر پولهای رایج امروز چیزی هستند که به نام پول امری بدون پشتوانه دولتی شناخته می‌شوند، یعنی پولی که پشتوانه طلا یا دیگر کالاهای باارزش ندارد. این قضیه سؤال جالبی را پیش روی ما می‌گذارد مبنی بر این که چرا این پول ارزش دارد. در کتاب‌های اقتصادی دلایل وسیع و متعددی برایش برشمردند که بسیاری از آنها قابل قبول است. اما این دلیل که پول ارزش خودش را از این حقیقت که مردم نیاز به پول دارند تا مالیات‌هایشان را پردازند، پذیرفتنش خیلی سخت است. نوچارتالیست‌ها از این سخن هم بالاتر رفته، می‌گویند: هر پولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزش خودش را از مالیات گرفته است.

ماسگریو^۱ در نقد نظریه چارتالیست‌ها می‌گوید، این دیدگاه افراطی که هر پولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزشش را از مالیات گرفته به دلایل ذیل یک گزاره گویی بزرگ درباره نقشی است که مالیات بازی می‌کند:^۲

- اشکال اول: این حقیقت که تقاضاهای دولت مبنی بر این که مالیات باید به صورت کالاهای خاص پرداخت شود ضرورتاً آن کالا را پول رایج نمی‌کند. فبرو^۳ در رد این ادعای چارتالیست‌ها اتحادیه پولی و اقتصادی اروپا را مثال می‌زند که پول مشترک اروپایی (یورو) را منتشر کردند. اتحادیه اروپا که پول منتشر کرده یقیناً آن را با وضع یک بدهی مالیاتی بر بخش خصوصی اتحادیه اروپا ایجاد نکرده است.
- اشکال دوم: در رژیم‌های دیکتاتوری که شاهد مثال چارتالیست‌ها است این امر ممکن است زیرا مردم راه دیگری جز آن راهی که دولت دستور داده برای پرداخت مالیات ندارند. اما در رژیم‌های دموکراسی اگر دولت بخواهد این کار را بکند در انتخابات بعدی ساقط می‌شود.
- اشکال سوم: لازم نیست مالیات به صورت پول امری بدون پشتوانه دولتی پرداخت شود. به عنوان نمونه، در انگلستان لازم نیست شهروندان مالیات را با پول محلی بپردازند. آنها می‌توانند مالیات را به صورت یک خانه یا قطعه‌ای از زمین یا تکه‌ای از طلا به مسئولین بدهند.
- اشکال چهارم: بانک‌های خصوصی هم می‌توانند پول بدون پشتوانه منتشر کنند. شاهد بر مطلب این که در مدت زمانی بین دو جنگ جهانی و در زمانی که هنوز بانک انگلستان ملی نشده بود، بی‌شک همکاری نزدیکی بین بانک‌های انگلیسی و دولت وجود داشت و آنچه که به طور دقیق باید گفت این است که در آن دوره پول در جریان به وسیله دولت منتشر نمی‌شد. بلکه به وسیله بانک انگلیس که حق چاپ اسکناس را از دولت گرفته بود، چاپ می‌شد.
- اشکال پنجم: کدام مقدم است، غذا و جان‌پناه یا مالیات. مردم فقیر پول می‌خواهند که غذا و سرپناه به دست بیاورند یا مالیات بپردازند.

1. Masgrave (2009)

۲. خلاصه کلام اینها این است: Taxes Gives Money its Value (TGMV) مالیات‌ها به پول ارزشش را می‌دهند.

3. Febero (2009)

بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول ۱۵۳

به عقیده نگارنده مشکل اساسی دیدگاه چارتالیست‌ها این است که پاسخ اثباتی و حلی به پرسش درباره ماهیت پول نداده است. تمام مطالبی که راجع به پول می‌گویند مطالب پیرامونی است مثل این مطلب که پول یک ارتباط و قرارداد اجتماعی است یا بوسیله قانون تأسیس شده یا تحت امر دولت است، همه اینها درست است و حقیقتی از حقایق پولی است اما درباره اینکه خود این پول چیست هیچ تحلیلی ندارند همانگونه که متالیست‌ها درباره ماهیت پولهای کنونی هیچ تحلیلی ندارند.

۳. نتیجه‌گیری

خلاصه این که در بین اندیشه‌وران اقتصادی غرب دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول قابل شناسایی است. نظریه متالیزم و نظریه چارتالیزم، هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نظریه متالیزم به این اندیشه برمی‌گردد که پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گرانبه در جریان بوده است. این دیدگاه با پدیدار شدن پول‌های کاغذی بدون پشتوانه عموماً و پول الکترونیکی که بی‌ماده فیزیکی کامل است خصوصاً با چالش عظیم توضیح و تفسیر آن مواجه شده است و اندیشه‌وران مکتب نئوکلاسیک تاکنون نتوانستند پاسخی مناسب برای آن پیدا کنند. لذا پرسش از ماهیت پول برای اینها هنوز باز است و منتظر پاسخ مناسب برای آن هستند.

با روبرو شدن مکتب متالیزم با این چالش عمده و عدم پاسخگویی نئوکلاسیک‌ها به آنها باعث شده تا دیدگاه چارتالیست‌ها درباره ماهیت پول رونق بگیرد. این دیدگاه می‌گوید ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشر کننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود. در این دیدگاه این مالیاتها هستند که به پول ارزش می‌دهند. ماسگریو و دیگران نقدها و اشکالات اساسی و مهمی بر این دیدگاه وارد کردند، در نتیجه این دیدگاه هم قابل استناد نیست. اساسی‌ترین مشکل دیدگاه چارتالیست این است که جواب اثباتی و حلی روشن به سؤال درباره این که پول چیست نداده است. البته باید توجه داشت که هر دو دیدگاه به حقایق مهمی درباره پول چه تاریخی و چه منطقی از قبیل در جایگاه پول قرار گرفتن تعدادی از کالاها در مدت زمان مدیدی از تاریخ، دخالت پیدا کردن و نقش آفرینی دولتها در ایجاد پول، غیرفیزیکی شدن ماهیت پول، تأسیس بوسیله قانون و قرارداد اجتماعی و تعداد دیگری از حقایق، برای توجیه و اثبات

دیدگاهشان تکیه کرده‌اند. در نتیجه هر تحلیل دیگری هم اگر قرار است صورت بگیرد باید به این حقایق توجه داشته باشد و باید بتواند آنها را توضیح بدهد، در غیر این صورت قابل استناد نیست.

منابع

الف- فارسی

- صدر، محمدباقر (۱۹۹۴)، *البنک اللاربوی فی الاسلام*، دارالتعاریف المطبوعات، بیروت.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فریدمن، میلتون (۱۳۷۵)، *اقتصاد مکتب پولی*، ترجمه دکتر مهدی تقوی و دکتر حسن مدرکیان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.

ب- انگلیسی

- Bofinger, P. (2001), *Monetary Policy, Goals, Institutions, Strategies and Instruments*, Oxford university press, Oxford.
- Clower, R. W. (1967), "A Reconsideration of the Microfoundations of Monetary Theory", *Western Economic Journal*, Vol. 6, No. 7, pp. 1-8.
- Febero, E. (2009), "Three Difficulties with neo-chartalism", *Journal of post-keynesian Economics*, (M.E. sharp, Inc.), Vol. 31, No. 3, pp. 523-541.
- Fisher, I. (1971,1931), *The Purchasing Power of Money: Its Determination and Relation to Credit, interest and crises*, macmillan, New york.
- Forstater, M. and W. Mosler (2005), "The Natural Rate of Interest is Zero", *Journal of Economic*, Issue, June, XXIX (2), pp. 535-542.
- Goodhart, C. A. E. (1989), *Money, Information an Uncertainty*, Macmillan, London and Basingstoke.
- Harris, L. (1981), *Monetary Theory*, McGraw-Hill Book company, New York.
- Hicks, J. R. (1967), *Critical Essays in Monetary Theory*, Clarendon press, Oxford.
- Ingham, G. (2000), *Babylonian mad ness: On the Historical and Sociological Origins of Money*, in: John Smithim (2000), *What is money?*, Routledg, London and New York.
- Ingham, G. (2004), *The Nature of Money*, Policy press, Cambridge.
- Innes, A. M. (1913), "What is money?", *Banking law Journal*, may, pp. 377-408.
- Keynes, J. M. (1930,1971), *Treatise on Money*, Macmillam, London.
- Knopp, G. F. (1905,1924), *The State Theory of Money*, Macmillan, London.

- Masgrave, R. (2009), chartalism-and why money has value, Durham, uk, <http://charta.Blogspot.com>.
- Menger, k. (1892), *On the Origin of Money*, *Economic Journal*, Vol. 2, No. 6, pp. 239-55.
- Mitchel, Bill (2009), *The Fundamental Principles of modern monetary Economics*, Wikipedia, free encyclopedia.
- Mosler, W. (2010), *Soft Currency Economics*, <http://moslereconomics.com>. mandatory.readings, soft-currency-economics.
- Rossi, Sergio (2007), *Money and Payments in Theory and Practice*, Routledge, London and New York.
- Schumpeter, J. A. (1954,1994), *History of Economic Analysis*, Routledge, London and New York.
- Simmel, G. (1990), *The Philosophy of Money*, Routledge, London and New York.
- Wary, L. R. (1998), *Understanding Modern Money: The key to Full Employment and Price Stability*, Edward Elgar, Cheltenham and Northampton.
- Wray, L. R. (2000), The Neo-chart alist Approach to Money, Center for Full Employ Mend and Price Stability, July, <http://www.cfeps.org>.
- Wray, L. R. (2001), The Endogenous Money Approach, August, <http://www.cfeps.org>.